

عنصر زنانه-اندکی مردانه در قصه‌های پریان هانس کریستیان آندرسن

منبع: اینترنت

مترجم: مریم واعظی

منابع این سخنرانی را بنا بر درخواستی، دو سال قبل، معلمان دبیرستان ریسلینگ (Rysling)، واقع در فونن (Funen) برایم فرستادند؛ جایی که هر ساله یک ترم تابستانی در مورد آثار هانس کریستیان آندرسن، بر پایه یک موضوع اصلی اما متفاوت برگزار می‌شود. موضوع درخواستی این بود: آندرسن و سفرهایش که به یک سخنرانی تحت عنوان «آندرسن و زنان نامتعارف در کارهایش» مربوط می‌شد. انگیزه انتخاب چنین موضوعی، نشر کتابی با عنوان "Sorte damer" و هم‌چنین کتاب کوچک‌تری



با عنوان "Detfalalekon" بود.

کتاب *Sorte damer*، تحلیلی است از تمامی زنان افسونگر و البته گاه نامتعارف؛ هم چنین چهره‌هایی از بزرگان ادبیات قرن نوزدهم دانمارک که هنگام نوشتن مقاله به ذهنم رسیده‌اند.

محدودیت‌ها در بیان رویدادها بر حسب زمان وقوع آن‌ها، در کتاب، برآیند این واقعیت هرچند عجیب است که تیپ «زن افسونگر»، قبل از دوره رمانتیک، در ادبیات حضور ندارد. به عبارت دیگر اگر ما خطاکاری، اغواگری و مرگ‌آفرینی پریان باکره را در ترانه‌ها نادیده بینگاریم، هم چنین مقبولیت عام آن را در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم که در کارهای سوفوس کلوزن (*Sophus Clausen*) به طور خاص دیده می‌شود، «زن افسونگر» افتی فاحش را در ادبیات جدی قرن بیستم دانمارک تجربه کرده است.

نکته قابل توجه در ارتباط با آندرسن، در کتابی که به آن اشاره کردم، وجود چند صفحه‌ای است که صرفاً به تحلیل رمان کوتاه «تنها ویولن زن» (*only a fiddler*) (۱۸۳۷)، به ویژه شخصیت اصلی آن، «ناومی» (*Naomi*) که هم جذاب و دلریا و هم به تمامی زنی افسونگر است، اختصاص دارد...

تحلیل آثار هانس کریستیان آندرسن در کتاب مزبور، به این جا ختم می‌شود که در کارهای آندرسن، این‌گونه زنان حضور ندارند. این سخنرانی نیز به بررسی همین مسئله خواهد پرداخت. در واقع، می‌خواهم با نگاهی به برخی دیدگاه‌ها درباره قصه پریان، به نتایج کلی برسیم. هدفم فقط هموار کردن راه و ایجاد منبع الهامی برای تأملات آینده است. این که تاکنون چنین تحلیل پایه‌ای روی موتیف‌ها که یکی از بزرگ‌ترین جواهرات تارک ادبیات دانمارک است، انجام نشده، برایم جای تعجب دارد...

اجازه دهید به «ناومی» در کتاب «تنها

ویولن زن» بازگردیم. او زنی کاملاً سلطه‌جوست و به قهرمان داستان، کریستیان (*Christian*) که شخصیتی ضعیف است، ستم روا می‌دارد. کریستیان همانا «من» با استعداد و هنرمند نویسنده است. «ناومی» در ماجراجویی‌های بسیارش، خود را به شکل مردی درمی‌آورد و به شکلی «خودآزارانه» با شخصی که سوارکار سیرک است، ارتباط حاصل می‌کند. البته در این رابطه جنسی، ناومی است که در مرتبه پایین‌تری قرار می‌گیرد. برای نمونه، او با تغییر شکل خود به یک مرد، در دامی می‌افتد که قادر نیست جنسیت خود را به مثابه یک زن برملا سازد. بنابراین، نمی‌تواند وقتی لادیس لواز (*Ladis laus*) در مقابل چشمان او به زنان دیگر متلک می‌گوید، اعتراضی بکند. او به یک ازدواج بی‌اساس و با این بهانه که شوهرش یک نجیب‌زاده ثروتمند فرانسوی است، تن می‌دهد. هم‌چنین شوهرش با تهدید به فاش کردن گذشته شرم‌آورش، ناومی را به تحمل خیانت خود وامی‌دارد. ناومی باید از موقعیتش در جامعه خرسند باشد... در کتاب تناقضات چشم‌گیر بسیاری با هم رویاروی هم قرار می‌گیرند و از آن جا که همواره اغفال و توهمات شادی‌بخش، ابزار کار «زن افسونگر» بوده - که چه بسا جوهر تحریکات جنسی و راز اغواگری است - واقعیت چیزها در پرده قرار می‌گیرد. در یکی از بهترین صحنه‌های کتاب، کریستیان بیچاره و مفلوک، دقیقاً وقتی «لوسی و ناومی»، دو زن زندگی‌اش در اتاق او، بعد از وقوع برخی صحنه‌های دلخراش در شهر بزرگ کپنهاک، در خوابند، دچار اشتباه می‌شود. لوسی که زن خوب و دختر نجیبی است، او را می‌ترساند؛ زیرا صورتش در اثر کابوسی بدشکل شده و این در حالی است که صورت «ناومی» افسونگر، شبیه فرشته‌ای در خواب است. به هر حال، «ناومی» از قدرت افسونگری خود باخبر است. «ناومی» می‌پندارد: «جهان سالن بزرگ رقص بالماسکه است.» (۱۶۲)

بدین ترتیب، «ناومی» از جهتی ناآشنا نیست، بلکه عنصر نسبتاً سنتی ادبیات اروپایی است. در دانمارک او نه تنها وارث، بلکه هم‌چنین اجدادی دارد. بسرای مثال، در Oehlenschlayer Tangkier in the romantic cycle Helge from - ۱۸۱۴)، اینگ من جوان، به این تیپ زنان علاقه داشته است. بدین‌رو، شخصیت اصلی بلانکا (Blanca)، در نمایشی یا همین نام که در سیسیل (Sicily) قرن دوازدهم رخ می‌دهد، زنی از این تیپ است.

زنان افسونگر و سرنوشت‌ساز که اغلب نامتعارف هستند، حداقل از نیمه دوم قرن نوزدهم، یعنی وقتی ظاهراً به نوعی زمام امور را از مرد اهریمنی (The Byron-hero) گرفتند، در تاریخ ادبیات اروپایی فراوانند.

این دقیقاً همان چیزی است که به آن رمانتی‌سیسم می‌گویند. به عبارتی، رمانتی‌سیسم دیرهنگام (در دانمارک دوره‌ای از ۴۸-۱۸۳۰)، با در هم آمیختگی زندگی ذهنی که به نظر جالب می‌آید، می‌تواند به عقیده بسیاری امکان مطلوبی برای زنان افسونگر ایجاد کند. روشن نیست که آیا ادعای ماریو پراز (Mario Praz) درباره سلسله مراتب زمانی جایگاه مردان و زنان اهریمنی، در مورد دانمارک هم معتبر باشد. به هر صورت، ما بیش از یک زن که دل‌ریا و اغواگر باشد، در کارهای آندرسن، یعنی در اولین رمانش «بدیهه‌گو» (۱۸۳۵) (Improvisatoreb) نیافته‌ایم. نام این زن سانتا (Santa) و تمامی صفاتش ایتالیایی است... هم‌چنین، نشانه ناچیزی از دل‌بستگی به مردان اهریمنی را می‌توان در کارهای هانس کریستیان آندرسن دید. نه تنها در آن‌چه به آن در «تنها ویولن‌زن» (۱۸۳۷) اشاره شد، بلکه آن را در زمانی که دقیقاً بعد از «بدیهه‌گو» چاپ شده، به نام O.T. (۱۸۳۶) می‌بینیم؛ یعنی در جایی که قهرمان غمگین و پریشان با پس‌زمینه حزن‌آور طبقه فقیر،

در زندگی ناومی، تأثیر پاریس به عامل بسیار مهمی تبدیل شده است؛ در واقع مهم برای آدم‌های آلامدی که او در میان آن‌ها زندگی می‌کند. البته به دلیل میل بسیار به هیجان، آن‌ها نمی‌توانند هرگز نمایشی را تا به آخر تماشا کنند، ولی نمایش‌نامه‌های مختلفی را که بازیگر خاصی در آن‌ها بازی می‌کند، نگاه می‌کنند. ناومی در این مورد می‌گوید: «اصل نمایش است. داستان آن مهم نیست!» (۲۵۱)

خانه خودش هم صحنه «نمایشی» از این‌گونه است: «بیش‌تر شبیه سالن عمومی است تا اتاق پذیرایی شخصی.» (۲۵۴) با وجود این تفریحات، باز هم احساس می‌کند روح سرکش و طغیانگرش، دچار خفقان شده است. تفریحاتی که در کمال تعجب، در درون قفس طلایی او روی می‌دهد؛ قفسی که شوهرش در واقع، وحشیانه او را در درون آن زندانی کرده. «ناومی» نظریات گستاخانه‌ای بر زبان می‌آورد... و البته عصیان او به بندگی بدل می‌گردد و با تبدیل او به یک قربانی به پایان می‌رسد.

ناومی هم‌چنان که از نامش پیداست، در ظاهر جذاب‌تر و زیباتر از دختران چشم‌آبی دانمارکی است؛ دست‌کم جذابیته متفاوت دارد. نقش زن افسونگر در ادبیات دانمارک، غالباً از نظر قومی، به زن خارجی واگذار می‌شود؛ برای نمونه، دختری کولی به نام «ریتا» (Rhitra)، در کتاب کریستیان وینتر (Chirstain winther)، «ترس از جانور نر» (۱۸۵۵) (The flight of the Hart).

در کتاب «به ازای خوشبختی» (Lucky per - ۱۸۹۸-۱۹۰۵)، هنریک یوناتوبی‌دان (Henrik Ponloppidan)، شخصیت داستان تصادفاً دختری است جوان‌تر و اغواگرتر از «ناومی» که می‌توان او را خواهر یهودی وی نامید؛ جایی که به یک زن شهوی، حسابگر و کینه‌توز به معنی واقعی کلمه نام «نتی» داده‌اند.

مردی از این سخن است.

کاملاً قابل تصور است که سفرهای هانس کریستیان آندرسن به خارج از کشور، زمینه‌ساز و الهام‌بخش عشوگری بی‌روح زنان جنوب در آثار او باشد؛ پدیده خارق‌العاده‌ای که اغلب در کارهای نویسندگان اسکانندیناوی دیده می‌شود و در تخیلات‌شان به چشم می‌خورد. بنابراین، اجازه دهید که نگاهی به سفرهای آندرسن بیندازیم. فهرست آن‌هایی که با موضوع بحث در ارتباطند، در ذیل می‌آید: سفر به ایتالیا، سفر با تور زمینی

زیبا (۱۸۳۳-۴۴) که تأثیر مهمی بر او گذاشت و در کتاب «بدیهه‌گو» (۱۸۳۵) انعکاس می‌یابد.

هم‌چنین، سفر به شرق دور و به کشورهای دیگر از جمله ترکیه (۴۱-۱۸۴۰) که به تازگی در «بازار یک شاعر» (En Digtars Bazar) (۱۸۴۲) ارائه

شده است و سرانجام، سفر به اسپانیا در سال ۱۸۶۲

که وصف آن در داستان «در اسپانیا» (۱۸۶۲) آمده است.

شگفت این‌که می‌توان معدودی زن جذاب و اغواگر در این کتاب‌ها یافت. در آخرین کتابی که ذکر شد، یعنی «در اسپانیا»، توصیفات پرشور رایجی از زنان بوالهوس اسپانیایی وجود دارد. براساس دفتر خاطرات جوانی آندرسن، او در زمان اقامتش در ناپل، همان‌طور که همه می‌دانند، با پیشنهادات بی‌شرمانه‌ای روبه‌رو شد...

جدا از این مورد، اثری از «زنان افسونگر» در آثار او، به‌جز در «افسانه‌های پریان» دیده‌ نمی‌شود. سرانجام، اگر به افسانه‌های پریان بازگردیم، در این ژانر، آندرسن خیلی راحت دست به

بزرگ‌ترین نوآوری‌ها می‌زند. اولین بخش این افسانه‌ها در سال ۱۸۵۵ چاپ شد و ارائه دیگر بخش‌های آن تا اندکی قبل از مرگ مؤلف ادامه یافت. البته ما در این آثار هم کم‌تر با زنان افسونگر برخورد می‌کنیم. در واقع، شاید حتی یکی از آن‌ها را هم به سختی بتوان پیدا کرد. در حالی که ژانر قصه پریان که منشأ آن در قصه‌های عامیانه و آکنده از کهن‌الگوهاست، تقریباً باید به خودی خود به پیدایش زنان افسونگر یا چیزی شبیه آن بسینجامد. پری‌های دریایی (Mermaids) و



ملکه‌های یخ، شاهزاده خانم‌های مغرور که خواستگاران زمینی‌شان را رد می‌کنند، ولی با «ترول»ها (موجوداتی افسانه‌ای در باور اسکاتلندی‌ها) و شیاطین شب صمیمی‌اند، در قصه‌های عامیانه فراوانند و در قصه‌های پریان آندرسن هم نمایان می‌شوند. البته طبیعت دو

وجهی و ویژگی‌های جذاب - دافع آن‌ها، هرگز در جهت وسوسه - جذب به کار گرفته نمی‌شود.

در این مرحله، نیاز است دوباره به سورت دامر (Sorte damer) اشاره‌ای داشته باشیم. به عبارت دیگر، فهرست تیپ زنان افسونگر که در زیر بازآفرینی شده‌اند، بر مبنای کهن‌الگوی یونگ (Jung) استوار است و می‌توان همانندهای چشمگیری با تیپ‌هایی از زنان مورد توجه شاعر غنایی دانمارکی، سوفون کلاوزن Sophuse (claussen در ۱۸۹۰) و برخی نگاره‌ها که تغییر قرن را توسط Austrian Jugendlil نقاش، گوستاو کلیمت (Gustav Klimt) در معرض دید می‌گذارد، در آن یافت. این جمع اضداد از تیپ

زن جادوگر یاد شده است. در مدارج پایین تر، زنانی را هم سنخ حیوانات می‌یابیم. برای نمونه، پری دریایی با دمی مانند ماهی یا مار، زن شهوی که همواره می‌کوشد مردان را به پایین بکشاند تا روح ایشان همیشه در معرض خطر باشد. سرانجام در آخرین مرتبه، تیپ روسپیان را می‌توان یافت.

آن‌چه در همه این زنان مشترک است، دوگانگی غیرقابل درک و اسرارآمیز آن‌هاست؛ این که در آن واحد هم جذاب و هم هراس‌انگیزند. این تیپ زنان، هم چنین کلیشه‌ای‌اند که شاید همین نکته آن‌ها را کم‌تر ترسناک می‌کند. ما به سرشت وحشی آن‌ها نمی‌پردازیم، بلکه آن‌ها را با توهمات مردانه به سادگی شناسایی می‌کنیم و می‌پذیریم.

انعکاس منفی آنیما

تیپ یک: آرتمیس یا دیانا؛ زن شکارچی، قدرتمند، معترض، فاقد جنسیت.

تیپ دو: جوذیت؛ بعد از یک شب، دلدادۀ اش را به خاطر سرزمین‌ها و اجدادی‌اش به قتل می‌رساند. سالومه؛ در روایتی توأم با عشق و تنفر، سر جان یساپ‌تیس (John the Baptist) را می‌خواهد؛ کسی که به پیشنهادهایش بی‌اعتنایی کرده است. اغواگر، افسونگر و به شدت خطرناک است. گفته می‌شود که او از سنت قدیمی مادرش، هردویاز (Herodias) که او را به این خواست فجیع وسوسه کرده، گنج شده است.

شیطان ملکه (Evil Queen)؛ مادر هملت است. ملکه سبا (Sheba).

کسلئوپاترا (Cleopatra)؛ جدا از این که به زیباترین زن جهان معروف است، گفته می‌شود که پس از اولین شب، معشوقه‌اش را به قتل می‌رساند. در مقایسه با جوذیت و سالوم، بی‌رحم‌تر است تا کینه‌توزتر.

والک یریزیا دوشیزگان / دوشیزه محافظ شاهان: (Valkyries / shield / Maidens /

زنان که یونگ آن‌ها را فرافکنی «آنیما» می‌شناسد، به ترتیب از تیپ کاملاً سرد و خوددار تا تیپ مخالف آن را در برمی‌گیرد. تیپ سرد و خوددار را می‌توان آرتمیس (Artemis) یا ملکه یخ‌ها نام داد که دست‌نایافتنی است و وعده آتش در زیر یخ را می‌دهد. در مقابل این تیپ، زنان روسپی که فقط پاسخگوی غرایز و تمنیات جنسی هستند، قرار می‌گیرند که البته نمی‌توان حسابگری و قدرت را در شخصیت آن‌ها نادیده گرفت. این دو تیپ متضاد را می‌توان به ترتیب، به مثابه تیپ یک و دو مورد توجه قرار داد. در بین این دو تیپ‌های بینابینی سومی می‌یابیم. البته ما در این جا فقط به تیپ زنان اساطیری می‌پردازیم که به شکلی با قصه‌های عامیانه قرابت دارند.

شمار کمی مانند ملکه یخ، به تیپ سکس مردانه معروفند که برخی از آن‌ها از مرز می‌گذرند و وارد قلمرو مردان می‌شوند؛ چرا که به حمل اسلحه می‌پردازند، سرباز جنگ می‌شوند و به شکار می‌روند. آن‌ها به جای تسلیم، اغلب ترتیبی می‌دهند تا خواستگاران خود را نابود یا زخمی کنند؛ چنان که «ناامی» تغییر قیافه می‌دهد. برای مثال، جوذیت (Judith)، سالوم (Salome)، نوردیک (Nordic)، والکی‌ریز (Valkyries)، زنانی از این تیپ هستند. هم‌چنین تیپ شاهزاده خانم‌ها در قصه‌های پریان که برای خواستگاران‌شان معماهای لاینحل طرح و سپس در کمال خونسردی آن‌ها را نابود می‌کنند. در بعضی موارد، این رفتار جنایتکارانه شاهزاده خانم‌ها، با این واقعیت که آن‌ها نشست و برخاست شبانه با «ترول»‌ها دارند، توجیه می‌شود. این تیپ زنان ترسناک را می‌توان در فهرست زنانی مانند «مدوسا» (Medusa) که در نگاه‌شان افسونی آمیخته از نفرت و جادوست و به جای موی سرشان مار دارند، قرار داد. از «ناامی» به طور مشخص، یک‌بار به عنوان مدوسا (Cf.p.188) یا

(Maiden kings) در منابع تازه‌تر گفته می‌شود که آن‌ها با خواستگاران‌شان درگیر جنگ تن به تن می‌شدند تا با چیره شدن بر آن‌ها «زن واقعی» شوند. دوشیزگانی جنگجو با ویژگی‌های مردانه. اسفینکس: (sphinx) برای ادیب (oedipus) معمای لاینحل طرح می‌کند؛ معماهایی که شاهزاده خانم‌های پریان برای خواستگاران‌شان مطرح می‌کردند تا موجب مرگ‌شان شوند. آشناترین آن‌ها: «توروندوت» (Turandot)، در کتاب «همسفر» هانس کریستیان آندرسن است که اساس آن بر قصه‌های عامیانه قرار دارد. در پایان داستان، زن پیروز می‌شود و نجات می‌یابد.

مدوسا (Medusa): به عوض مو بر سرش مار دارد و با یک نگاه کوتاه، مردان را سنگ می‌کند. زن جادوگر (The witch): سالخورده، ویرانگر، زنی کج‌اندیش که نیرویی جادویی (شهبانوی) دارد. پیوندش با زندگی واقعی جادوگران قرون وسطی در دوره رنسانس، کاملاً روشن است. در ادبیات: زنی که می‌تواند بدون مرد زندگی را بچرخاند و بنابراین ترسناک به نظر می‌رسد. کارن بلیک‌سن یا ایزاک دای‌نِس / (Karen Blixen / Isak Dinesen) یا زنی که با بدن فرسوده و جسمی تباه شده، هنوز فریاد جوانی را در خود نهفته دارد. مثل سوفوز کلاوزن (Sophus claussen) یا زنی که به سبب تمنیات قوی شهبانوی، برای مردان روحانی مخاطره‌آمیز است؛ برای مثال در آثار دریر (Dreyer) یا امبرالواکو (Umberlo Eco).

پری دریایی (Mermaid): خیلی آسان مردان را به پایین می‌کشند. دم مار مانند با نمادی از مار در هم می‌آمیزد.

روسپی درباری (The Hctera / Courtesan): دوست داشتنی، بذله‌گو و زنی شهوی است. دختری عشوهر (به عنوان بخشی از امتیازها) و شهوی است. تنها یک چیز در سرش

دارد.

روسپی اشرافی (The Harlot / floosie): (در شکل‌های ادبی) سکس محض، غریزی، دلبر، بازیگوش، تنها جسم و بس. برانگیزاننده تمنیات، شکستنده تابوها و ارائه‌گر لذت‌های غیرقابل تصور است، اما او از مرگ می‌ترسد: ترسی توأم با احساس گناه و لعنت خدا. می‌توان گفت که تاکنون، در توصیف انعکاس آنیمای منفی یا تیپ زنان افسونگر در کارهای آندرسن، کار چندانی نشده است. باید به این مسئله توجه کرد که به کارگیری فهرست راهنمای آنتی موتیف ایرن (Aarne)، به جای کهن الگوهای یونگ (Jung)، همان بازده را خواهد داشت: این تیپ زنان، هم‌چون شاهزاده خانم، در کتاب «خوک‌چران» (The swineherd) است؛ کسی که با رد کردن پسر ممتاز شاه، او را تحقیر می‌کند و بدین ترتیب، تنبیه و به خانه مردی از طبقات پایین فرستاده می‌شود. او گرچه بی‌تردید با کد (Aa ۹۰۰) "Konig Drosselbart" قابل شناسایی است، زنی شبیه زنان افسونگر نیست. در یکی از قصه‌های پریان گریم «توکا، شاه ریش‌دار» (King Thrush-beard)، دختر قصه برای مدتی صفات متضادی با خود به همراه دارد: رفتارش تحریک‌آمیز است و ظرفیت بسیاری برای سلطه‌گری از خود نشان می‌دهد.

شاهزاده خانم‌ها

شاهزاده خانم در آثار هانس کریستیان آندرسن، بیش‌تر شبیه فردی نادان و عروسکی کم‌مایه و بی‌گمان شایسته این اظهارنظر در مورد پسر شاه است: «از تو متفقرم.» موضوع زنان در کتاب «خوک‌چران»، با استحاله زنان افسونگر به زنان یا محبت مرتبط نیست، بلکه به رهایی مرد از بند بی‌ارزش شهوت ارتباط می‌یابد. در این‌جا فهرست زنان بالقوه افسونگر، در

قصه‌های پریان را که بعدها به زنانی کاملاً متفاوت تبدیل می‌شوند، می‌آوریم. در این فهرست، آثار متفاوتی از کارهای آندرسن در ژانر قصه‌های پریان را ارائه می‌دهیم. اولین آن‌ها در کتاب «همسفر» (۱۸۳۶) (Travelling Companion) دیده می‌شود که در واقع بر کد (Aa ۹۰۰) پایه‌ریزی شده که همان موتیف زنان مغرور است: شاهزاده خانمی که جادو شده، مانند ادیپوس (Oedipus) یا Sphinx که معماهای لاینحل برای خواستگاران‌ش طرح می‌کند.

کتاب خانواده ترسوی گرتز Chicken Grethe's family (۱۸۶۹) که یکی از آخرین قصه‌های پریان آندرسن است، به سرنوشت ماریا گروب (Marie Grube) می‌پردازد. این زن بی‌شک زنی دلربا و خودرأی را به نمایش می‌گذارد. البته نه زنی هم‌چون زنان واقعی افسونگر که آگاهانه از توانایی‌های جنسی‌شان سوءاستفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد که داستان، به طور دقیق مشخص نمی‌کند این بخش از تاریخ غیرمتعارف دانمارک، حقیقتاً چه چیزی را می‌خواهد بیان دارد.

از فهرست شماره دو، پری دریایی کوچک (The little Mermaid - ۱۸۳۷)، همان‌طور که می‌دانیم، در جایگاه شاخص همیشگی افسانه پری دریایی قرار نگرفته است؛ زیرا قهرمان اصلی زن داستان، به جای نابودی روح بشر، نجات جسم و شادی و فرهیختگی برای انسان آرزو می‌کند و گویی این کافی نیست؛ او عمیقاً خواهان فناناپذیری روح خودش می‌شود. علی‌رغم این، هانس کریستیان آندرسن هنرمندانه و ماهرانه موفق می‌شود در آنتی‌تز افسانه خود، به تعادل دست یابد. ما در جست‌وجوی زن افسونگر در قصه ملکه برفی (The Snow queen - ۱۸۴۴)، کمی خوش‌شانس‌تر هستیم که آوازه او به راستی بیش‌تر از شهوت است. او سرد و به همان اندازه

جذاب است؛ هر چند بیش‌تر ستمگر قلمداد می‌شود تا جذاب و وسوسه‌انگیز.

این قصه پریان، موجب ظهور اجراهای (Jung) خلاق در تأثیر شده است که به نظر می‌رسد در هر اجرا، از محتوای آن کاسته می‌شود و اطلاع‌رسانی دقیقی هم انجام نمی‌دهد. به هر دلیل، در این قصه پریان امکان خلق شخصیتی در آثار هانس کریستیان آندرسن به وجود آمد که دارای دو سمبل اصلی است و شاید حتی بیش‌از دو سمبل اصلی هم داشته باشد.

به عبارتی، ما در وجود دختر یخ، به تمایلات شهوانی افسارگسیخته «ملکه یخ» The Ice Maiden (۱۸۶۱) نزدیک‌تر می‌شویم. در این داستان، رودی (Rudi) در شب ازدواجش، در آغوش «دختر یخی» گرفتار می‌آید. البته در این مورد، به نظر می‌آید به بخشی از قصه عامیانه، (احتمال) نیروهای خطرناک اغواگر طبیعی که در وجود انسان مؤنث نهادینه شده است، نزدیک‌تر می‌شویم: این نیروها با خوشبختی ناچیز اما ملموسی که می‌توان آن را در روابط متعارف انسان‌ها یافت، در تضاد هستند. به عنوان مثال، در کتاب «باله» اگوست براون ویل، لاسیل فید August Bournonville's ballet La syphide (۱۸۳۰) را می‌توان نام برد.

از طرف دیگر، اگر بخواهیم با همان مقیاس، به گناهکاران و روسپیان بپردازیم، در حقیقت، آن‌ها نیز در قصه‌های پریان وجود دارند؛ با این تفاوت که به ندرت به عنوان موجوداتی شهوی، مبهم و اسرارآمیز پدیدار می‌شوند. این تیپ زنان برای خودشان خطرناک‌ترند؛ مانند شخصیت مؤنث داستان کوتاه «دختر شاه مارش» The Marsh king's Daughter (۱۸۵۸) که در این تیپ قرار دارد.

قصه‌های پریانی که می‌توانند به این مقوله اختصاص یابند، عبارتند از «کشف‌های قرمز»

(Red shoes - ۱۸۴۵) که در مورد دختری است که دوست دارد آگاهانه، قوانین مذهبی را زیر پا گذارد. از این رو، بی‌رحمانه تنبیه می‌شود و چلاق می‌گردد. هم‌چنین، کتاب آن لیبس Lisbeth (Anne - ۱۸۵۹) که درباره مادری از دواج نکرده است که چون به فرزند از دست‌رفته‌اش بی‌توجهی کرده، آن‌قدر می‌رقصد تا می‌میرد. در هر دو داستان، ترس و وحشت و زجر روحی روانی جاری است.

فهرست قصه‌های پریان که کم و بیش با مفهوم زنان افسونگر در ارتباطند:
۱- جعبه آتش‌زنه، آتشدان و...

1- The Tinder Box

۲- همسفر، همراه رفیق راه و...

2- The Traveling Companion

۳- پری دریایی کوچک، پری دریایی، حوری دریایی و...

3- The Little Mermaid

۴- سرباز حلبی، سرباز حلبی بااراده، سرباز قلعی و...

- 4- The Sled Fast Tin Soldier
 - 5- The Swin Herd ۵- خوک‌چران
ع‌ معشوق‌ها، عاشق و معشوق و...
 - 6- The Sweet hearts
 - 7- The Snow Queen ۷- ملکه برفی
 - 8- The Elf Mound ۸- تپه الف‌ها
۹- کفش‌های قرمز، کفش قرمز و...
 - 9- The Red Shoes
 - ۱۰- یقه پیراهن مردانه، یقه پیراهن و...
 - 10- The Shirt Collar
 - ۱۱- زیر درخت بید
 - 11- The Under The Willow Tree
 - ۱۲- هانس ساده‌لوح، احمق، ابله، دست و پا چلفتی و...
 - 12- The Clumsy Hans
 - ۱۳- ایب و کریستیان کوچک و...
 - 13- The Ib and Little Christine
 - ۱۴- دختر یهودی - کلیمی
 - 14- The Jewish Girl
 - ۱۵- دختر شاه‌مارش
 - 15- The Marsh King's Daughter
 - ۱۶- آن لیبس
 - 16- Anne Lisbeth
 - ۱۷- دختر یخ
 - 17- The Ice Maiden
 - ۱۸- خانواده ترسوی‌گرتز
 - 18- Chicken Grethe's Family
- اکنون آشکارا قابل درک است که پسر کارگری هم‌چون هانس کریستیان آندرسن که سیه‌روزی روسپیان را حتی در خانواده خودش دیده بود، نباید از دچار شدن به تمنیات جنسی و توسل به روسپیان پرشور رنج برد. البته، توضیح این‌که چرا زنان در قصه‌های پریان، سرد و خشک مقدس هستند یا این‌که از گوشت و خونند یا تجسم انسانی کالا یا بازیچه‌های عروسکی‌اند و هرگز ویژگی‌های زنان افسونگر را ندارند، بسیار مشکل است.



(Clumsy Hans - ۱۸۵۵) است، البته باید اذعان داشت که این زن، بسیار کم با شخصیت جن و پری ماندنی نظیر تورندت "Turandot" در داستان همسفر (Travelling Companion - ۱۸۳۹) ارتباط دارد... البته چیزی که به زن در داستان همسفر و حتی به زن‌های امروزی اجازه نمی‌دهد که کاملاً از قدرت اغواگری و اهریمنی‌شان استفاده کنند، این است که زن نیز باید از قدرت خودش، حفظ شود و نجات یابد تا همه بتوانند نفس راحتی بکشند. در آخر، ما شماری از زنان بی‌احساس، تهی، خودپسند، متکبر و وقیح داریم که از موجودات اغواگر و تودار فاصله زیادی دارند.

در این جا می‌بایست به شخصیت بالرین، در کتاب «سرباز حلبی» (The Sled Fast Tin - ۱۸۳۸) اشاره‌ای داشته باشیم که نمی‌تواند هیچ کاری را بدون ژست‌هایی که می‌گیرد، به انجام برساند. او (زن) تهی مغز، صرفاً نماد ظاهری شهرت و امتیاز و دارای درخشندگی پولک‌وار است. هم‌چنین، زن در داستان توپ در کتاب «عاشق‌ها» (Sweet Thearts - ۱۸۴۳)، با تصورات احمقانه رایج، خودش را نامزد پرستویی می‌پندارد. او کسی است که زمانی کاملاً عاشق بود و بعد خود را از این عشق زنگارسته می‌رهاند و همین، نتیجه اخلاقی تلخ این قصه است...

به همین ترتیب، دو داستان «زیر درخت بید» (Under The Willow - ۱۸۵۲) و ایب و کریستیان کوچک (Ib and Little Christine - ۱۸۵۵)، از همان فهرست انتخاب شده‌اند. در این داستان‌ها تیپ مرد خوددار، در نقش یک خواستگار، به خاطر زنی فعال و اجتماعی و بی‌نظیر، فرصت‌هایش را تباه می‌کند. این همان تمی است که در رمان عاشقانه «تنها یک ویولن‌زن» که مربوط به دوره جوانی آندرسن است، با آن آشنایی داریم.

یک توضیح می‌تواند این باشد که هانس کریستیان آندرسن، بسیار شوخ‌طبع بود و درکی بسیار قوی از تفاوت‌های ظریف در جنبه‌های زندگی انسان داشت. نه تنها خواستگاران زنان افسونگر که آن‌ها را جدی می‌گیرند، بلکه خود این زنان نیز خود را بسیار جدی می‌گیرند و بسیار از خودشان مطمئن هستند. این از بازی روزگار است که این‌گونه زنان خود به خود، اسباب نابودی خودشان را فراهم می‌آورند. به هر صورت، پیش از آن که از این پیش‌تر رویم، اجازه دهید با نگاهی سریع به عقب، به شماری از قصه‌های پریان که در این فهرست نیامده‌اند، بپردازیم. زیرا آن‌ها می‌توانند بعضی از کهن‌الگوها یا دست‌کم تمثال‌های ادبی را که بیانگر فرافکنی آنیمای منفی هستند، در خود داشته باشند. البته بی‌شک آن‌ها متفاوت با تمثال زنانی هستند که بیش از این بررسی شدند. این آثار نقشی در ایجاد رابطه با تمثال زنان افسونگر داشته‌اند.

زن ساحره‌ای که در کتاب «جعبه آتش‌زنه» (The Tinder Box - ۱۸۳۵) وجود دارد، فقط زشت و پیر و مسمم‌کننده است و با معصومیت کودکانه قصه پریان هماهنگی دارد. بدون شک در این داستان، انحراف اخلاقی پیچیده‌ای وجود ندارد. در کتاب «دختر کلیمی» (Jewish Girl - ۱۸۵۵)، نه تنها زن داستان اغواگری و زیبایی مرگ‌آفرین ندارد، بلکه تنها و بدبخت است. در این جا ما بار دیگر با نمونه‌ای از آگاهی اجتماعی آندرسن سر و کار داریم. سرانجام به بیان پیچیده و شاعرانه پریان باکره، در کتاب «تپه الف‌ها» (Elf Mound) توجه می‌کنیم. که عملکرد آن‌ها بر ضد سرشت‌شان است؛ چرا که آن‌ها نیز به هنگام رقص با پاهای‌شان، زمین را سفت می‌کنند.

بنابراین، چیزی که واقعاً برای ما باقی می‌ماند، همان شاهزاده خانم حاضر جواب و باشم غریزی قوی، در داستان «هاسن ساده‌لوح»

به هر حال، در این روایت‌های اخیر، زن آگاهانه بی‌رحمی نمی‌کند و تنها اجازه می‌یابد با خودشیفتگی به عشوهری بپردازد. او به راستی سرد و بی‌جاذبه و دست‌نیافتنی است. چرا زنان افسونگر در قصه‌های پریان وجود ندارند؟ شاید چون قصه‌های پریان، مناسب کودکان شکل گرفته‌اند و مطالب آن برای کودکان بسیار تلطیف می‌شود. البته بدیهی است که «خوک‌چران» هم‌چنان که در بعضی از قصه‌های عامیانه مطرح است، اجازه نمی‌یابد در رختخواب شاهزاده خانم به خواب رود. مجبور است تنها به چند بوسه قانع باشد. هر چند این نکته اثری عجیب، خنده‌دار و فراموش‌نشدنی در ذهن می‌آفریند، در هر صورت، وقتی این تلطیف و حذف مطالب ناخوشایند صورت می‌پذیرد، توانایی‌های نهفته در وجود زنان افسونگر، به کلی تغییر ماهیت می‌دهد؛ به عنوان مثال «در کفش‌های قرمز» (The Red Shoes - ۱۸۴۵) و آن لیس‌بس (Anne Lisbeth - ۱۸۵۹).

در این‌جا خواهشی دارم که می‌توانید شوقی فرض کنید. به این معنا که فهم انسان‌ها و جامعه می‌تواند دلیلی باشد برای این‌که زن افسونگر را از قصه‌های پریان جدا کنیم. هر چند ممکن است برای ساختار ژانر، اگر در زیر داستان هانس کریستیان آندرسن شکل گیرد، مفید باشد. مشخصه آندرسن فرهیخته، نمایش پیچیده دیدگاه‌های متفاوت است. در نتیجه و برای مثال، بازیچه‌ها در قصه‌ها چیزهایی هستند که از کیفیتی برخوردارند و اشیایی که همان انسان‌ها هستند، ویژگی‌های انسان امروزی را توصیف می‌کنند. امروزه بشر به نشانه‌ها هستی می‌بخشد. خودفریبی و برداشت غلط از رفتار یکدیگر، تا اندازه‌ای به همین دلیل است. توپ در واقع نامزد پرستو نشده؛ زیرا وقتی به طرف آشیانه پرنده پرتاب شده، پرنده مثل همه پرندگان جیک‌جیک

سر داده است.

در کتاب «سرباز حلبی»، سرباز در واقع رابطه روحی روانی عمیقی با رقصنده‌ها ندارد؛ چرا که او به سادگی از کاغذ ساخته شده است و حتی قادر نیست یک میلی‌متر حرکت کند. کسی که پاهایی به این شکل دارد، با خود سرباز نیز مغایر است. این رغبت به فراهم آوردن شخصیت‌های قصه پریان، با هویتی سیال و از طریق کم کردن حساسیت و تشریفات، به ویژه چشم‌انداز خود شخصیت‌ها و دنیای اطراف‌شان را وضوح می‌بخشد که احتمالاً بر توانایی‌های نهفته در تصویر زنان افسونگر، تأثیر مخرب بسیاری دارد. به معنای دقیق کلمه، زنان افسونگر باید هم از دید خودشان و هم از دید اطرافیان‌شان، کاملاً غیرقابل مقاومت باشند.

به عنوان تکمله‌ای بر این سخنرانی کوتاه، می‌خواهم فهرستی با نمونه‌هایی از دیدگاه زنان که در قصه‌های پریان به نمایش گذاشته شده است، ارائه دهم. مسئله این‌جاست که اگرچه این دیدگاه‌ها از همدردی بی‌طرفانه عاری است، کاملاً متنوع است؛ خصوصاً زمانی که با دیدگاه نوع مذکر مقایسه شود... آن‌ها شتاب‌زده‌اند؛ همانند همپالکی سرباز در داستان «جعبه آتش‌زنه» (صندوق آتش‌زنه هم ترجمه شده است - م). هم‌چنین، قهرمان داستان «هانس ساده‌لوح»، دست و پا چلفتی، مأیوس، خبیث و منفعل است؛ هم‌چون شخصیت‌های مذکور در کتاب «زیر درخت بید» و «ایب و لیس‌بس»...

طبقه‌بندی تیپ‌های زنان در قصه‌های پریان

بی‌اعتنایی مغرورانه یا خودمحور، سرد یا خودپسند:

- ۱- همسفر 1- The Travelling Companion
- ۲- سرباز حلبی 2- "The Steadfast Tin Soldier"
- ۳- خوک‌چران 3- The "Swine Herd"

۱- دختر کبریت فروش

1- "The Little Match Girl"

پیردختر:

۱- از روزنه دید وار تو

1- "A View From Vartou's Window"

زنان منحرف:

1- "The Red Shoes" ۱- کفش های قرمز

2- "Anne Lisbeth" ۲- آن لیس بس

مادرها:

۱- داستان مادر - سرگذشت مادر

1- "The Story of a Mother"

2- "She Was Good for Nothing" ۲

3- "Anne Lisbeth" ۳- آن لیس بس

۴- جاهان پیر چه گفت

4- "What Old Johanne Told"

چنان که دیدیم، شماری از زنان بی‌اعتنای مفرور و خودمحور، تعدادی زن گستاخ و نیز دختر حاضر جواب وجود دارند. هم چنین، شماری از زنان نادان شبه عروسک و زنان عاشق پیشه داریم و نیز زنان از خود گذشته‌ای که فعال و شجاع هستند. به علاوه، زنانی که قربانی‌اند و زنان پیردختر و نیز زنان منحرف. افزون بر این، مادران را داریم.

در این بررسی کوتاه، پاسخ به دو سؤال مطرح شده را به خوانندگان این مقاله محول می‌کنم. برای زنان افسونگر در قصه‌های پریان هانس کریستیان آندرسن چه رخ داده است؟ به راستی چرا او در توصیف زنان قصه‌های پریان، بیش از توصیف مردان موفق است؟ آیا بدین سبب که روابطش با زنان در نقش عاشق نیست، بلکه واقعی است و به بیانی دقیق‌تر، دوستانه و یا حتی نظاره‌گرانه است؟ شاید هم ریشه آن در عناصر زنانه خودش قرار دارد که هانس کریستیان آندرسن را بسیار حساس می‌سازد تا بتواند زنان را درک کند.

۴- عاشق‌ها "The Sweethearts"

۵- یقه پیراهن (؟؟؟)

5- "The Shirt Collar" (Ironical Self-Commentary)

عزودکان شیرین زبان (با قید و شرطها)

6- "Children's Prattle" (With reservations)

زنانی که مردان زندگی‌شان را به اشتباه انتخاب می‌کنند؛ چرا که به راستی تودار و کم حرفند:

1- "Thumbelina" ۱- بندانگشتی

۲- زیر درخت بید

2- "Under The Willow Tree"

۳- ایب و لیس بس

3- "Ib and Little Chrisline"

۴- جاهان پیر چه گفت

4- "What Old Johanne Told"

دختران باهوش و زیرک شوخ طبع که گاه و بی‌گاه، با بی‌شرمان و گستاخان جور می‌شوند:

1- "The Tinder Box" ۱- جعبه آتش زنه

2- "Clumsy Hans" ۲- هانس ساده لوح

3- "The Snow Queen" ۳- ملکه برف

زنان عروسکی:

۱- سرباز حلبی

1- The Slead Fast Tin Soldier

۲- چوپان و دلیگ زیبا

2- She Pherdess and The ("Deilig") ("Beautiful")

زنان بامحبت و فداکار و البته فعال و شجاع:

1- "The Little Mermaid" ۱- پری دریایی

2- "The Wild Swans" ۲- قوی وحشی

۳- داستان یک مادر - سرگذشت یک مادر

3- The Story of a mother

۴- ملکه برف

4- "The Snow Queen" (Gerda)

زنانی به مثابه قربانی: